

مجازات های بی امان

شک نیست که خوانندگان مقاله از انتخاب عنوان (مجازات های بی امان) که نه فصلی، رقانون مجازات، عمومی دارد و نه در سایر قوانین و آئین دادرسی کیفری و نه قوانین متفرقه دیگری که احیاناً ضمن آنها مواد مجازاتی و دادرسی کیفری پیش بینی و گنجانیده شده است تعجب خواهند کرد:

بلی حق هم دارند ناراحت شوند زیرا در دوره ای که پایه قوانین مجازاتی بر عدل و انصاف استوار میگردد و مسائل دیگری جای گزین انتقام های شخصی و خشم و نفرت عمومی و سایر مباحث اجتماعی میشود و مجازات مخصوصاً روز بروز بطرف عدالت اجتماعی میگردید روا نیست که قوانین مجازاتی مانند (ستمکاران بی امان) بحساب جامعه عرض اندام نموده و درباره منحرفین از مقررات کیفری بی چون و چرا و بدون تخفیف و ارفاق اعمال گردد. مجازات های بی امان نه از آن نظر است که احکام جزائی قابل پژوهش و فرجام نباشد مثلاً حکم دادگاه جنحه یا دادگاه استان قطعی تلقی گردد و یا تزییقات دیگری که قانون در جریان مقدماتی بازپرسی یا دادرسی مقرر داشته مثل بازداشت های موقت یا بازداشت هائی که برای جلوگیری از تبانی و فرار متهم معین است یا بازداشت های دیوان جنائی و دادگاههای دیوان کیفر که برای اجرای دادرسی مقرر گردیده حتی مراتبی که ضمن صدور امرنامه پیش بینی شده است مقصود نیست پس مجازات بی امان بچه نوع مجازاتی اطلاق میشود؟

ما در این مقاله به جستجوی چنین موضوعی برخاسته و آنرا روشن خواهیم ساخت. بدو سزاوار و شایسته است معنی عدالت را باتکاء گفته های بزرگان شرح دهیم تا به بینیم آیا عدالت اقتضا میکند که مجازات بی امانی در جامعه اجرا گردد و از قضاة و مقام دادگستری اختیارات ارفاق و تعدیل سلب شود؟

افلاطون در کتاب جمهوریت خود همه جا سخن از عدالت و دادگستری بمیان کشیده و با ساختن مدینه فاضله در مخیله خود از مجازات آنها مجازات های بی امان بخی نکرده و چنین میگوید:

« بعقیده عموم عدالت بخودی خود حسن نیست بلکه امری است قرار دادی و مصالحه ای است بین دو عامل عمده که در رفتار هر فردی مؤثر است یکی تمایل به تعدی نسبت بحقوق دیگران دیگری ترس وی از تعدی دیگران این مصالحه که همان رفتار عدل است از نظر مصالح اکثریت ضروری است بنابراین هیئت اجتماع بر اساس رضایت ضمنی افراد آنرا حسن تلقی می کند و عکس آنرا عیب و برای کسانی که عدالت را پیشه خود قرار دهند پاداش ها و افتخاراتی قائل میگردد »

مجازات های بی امان

سقراط عدالت را خوبی و فضیلت نفس انسانی میداند
اما تعریفی که علمای دیگر از عدالت کرده اند این است:
« هیئت نفسانیه راسخه ای که باعث بر ملازمت تقوی و سروت بشود »

بدیهی است هیئت راسخه را از این جهت ذکر کرده اند که جزء ملکات انسانی
باید باشد نه جزء صفات زائله و عنوان تقوی را هم براتیان بواجبات و ترک محرمات
آورده و دانسته اند.

با این تفصیل عدالت چه اقتضا دارد؟

آیا وضع مجازات ها بدون اعمال ارفاق و بی چون و چرا با مصلحت جامعه مترقی
قرین است یا نه ؟

کلیه در مالکی که بی عدالتی ها ، تبعیضات ، حکمفرما باشد ، در کشور هائی
که داد گستری ضعیف و ناتوان بوده و با وجود اغتشاشات روز افزون و مداخلات اشخاص
غیر مسئول در کار داد گستری و نظم اجتماع تقاضای تشدید مجازات دارد آنجا بیشک
مجازات های بی امان عرض اندام نموده و بسا اوقات مفید بحال جامعه خواهد بود.

* * *

حال میخواهیم قانونی که ارفاق و اعمال ماده ۴۵ و ۴۶ مکرر را از قاضی سلب
کرده شرح دهیم و بگوئیم این نوع مجازات ها مجازات بی امان است که در فوق
تشریح گردید:

۱ - در لایحه قانونی اصلاح مواد ۲۳ و ماده ۲۴ قانون مجازات مرتکبین قاچاق
مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ که عیناً درج میشود این موضوع روشن خواهد شد.

« ماده ۲۳ - اسباب و ادوات مخصوص بشیره جوشانی یا چراغ و آلات استعمال
شیره و ادوات مخصوص تریاک مالی نیز نزد هر کس کشف شود ضبط و نسبت بهر دستگاه
یا اجزاء آن پانصد ریال جزای نقدی دریافت خواهد شد »

« ماده ۲۴ - کسانی که شیره کش خانه دائر و وسائل استعمال شیره مطبوخ را
فراهم نمایند بحکم محکمه بتأدیه از سه هزار ریال تا ده هزار ریال جزای نقدی و بجنس
تأدیبی از چهار ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

تبصره - مفاد ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی در مورد محکومین جرائم
مذکور در این ماده و ماده ۲۳ رعایت نخواهد شد .

در این جا ملاحظه میفرمائید که قاضی را از ارفاق در موارد تکرار جرم یا تعدد آن
ممنوع داشتند و بایستی نسبت بمورد فقرات ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی و در مورد تعدد
(ماده دو الحاقی بآئین دادرسی کیفری) مجازات عیناً بدون اعمال ارفاق و توسل بماده ۴
مکرر حکم صادر و اجرا گردد .

باین معنی که اگر کسی یک سابقه مؤثر داشته باشد در دفعه دوم بهیچ وجه
نمیتوان از حد اکثر مجازات مذکور در ماده ۲۴ که یکسال است مجازات را پائین آورد و در مورد

مجازات های بی‌امان

دو یا سه سابقه نیز از تشدید مجازات با توجه بماده ۲۵ اصلاحی قانون مجازات عمومی تخطی کرد و ارفاقی قائل شد.

صرف نظر از اینکه در ماده ۲۳ فوق‌الذکر که مجازات نقدی (پانصد ریال) برای هر اسباب و ادوات مخصوص شیر جوشانی مقرر داشته در مورد تکرار چگونه میتوان تشدید قائل شد و باز جای این بحث باقی است که قضیه در دادگاه باید رسیدگی شود یا خود مأمورین وصول درآمد دولت (باعنایت بکلمه دریافت) مذکور در آن حق وصول جریمه را دارند. گذشته از این که خود بحث دیگری در اطراف آن دارد که موکول بمقاله دیگری است تبصره دو ماده ۲۴ خود الزام بعدم اعمال ماده ۴ مکرر همان مجازات بی‌امان است که قانون گذار لزوم آن را پیش بینی کرده و در حقیقت یک مقدار از اختیارات قضات دادگستری را سلب نموده است.

۴- قانون مربوط بمقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی.

در تبصره ۵ ماده ۱۸ چنین مقرر گردیده :

در صورتیکه دادگاه موجباتی برای تخفیف مجازات ملاحظه نمود در مورد مجازات های جنائی یک درجه و در سایر موارد فقط تانصف مجازات میتواند تخفیف دهد»
هم چنین بموجب مندرجات ماده ۱۹ که می‌نویسد :

« مقررات ماده ۱۸ و تبصره های آن در مورد تهیه و فروش مواد خوردنی و آشامیدنی تقلبی فاسد با یک درجه تخفیف در اصل مجازات‌ها و با رعایت مقررات عمومی مربوط ببازداشت متهم جاری است »

از مطالعه این دو مورد میتوان پی برد که قانون گذار در آن تاریخ مواجه با پیش‌آمد های ناگواری بوده که مقتضیات ایجاب تشدید مجازات را میکرده باین معنی که اجحافات و تعدیات و بسا اوقات تقلبات بعضی از فروشندگان مواد فوق‌الذکر کار را بجائی رسانده بود که سلامت عمومی را بمخاطره انداخته و اموری که طبقات عامه با آن سروکار دارد دستخوش هوی و هوس آنان گردیده

اقتضای عدالت خواه بمعنائی که افلاطون تشریح کرده خواه بمعنائی که بزرگان دیگر از آن تعریف کرده اند این است که مواقع و مناسبت تصویب بعضی قوانین را باید در نظر گرفت و محیطی که در آن زمان چنین قانونی وضع شده و هم چنین علل و اسباب و کیفیات امر را بمخاطر سپرد تا به بینیم آیا قانون گذار مصاب بوده است که چنین مجازات‌های بی‌امانی را تصویب و در عداد قوانین موضوعه بجامعه تحمیل نماید یا نه؟

همانطور که در فوق گفته شد هر وقت حکومت بلسست اشخاص غیر مسئول یفتد یعنی افرادی که در مقابل جامعه و قانون مسئولیت ندارند، هر گاه تشنجات ارکان اجتماع را متزلزل سازد و یا خدای نکرده دادگستری ضعیف گردد باید منتظر چنین مجازات‌ها بلکه بالاتر از آن راهم داشت.